

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان، ۲۱ اکتوبر ۱۹۸۶

درد آتشین

در دوران زعامت خلق و پرچم و گرماگرم جهاد سروده شده است

به خون فرو شده افغان ستان، که میدانند؟
ز داستان دل دوستان که آگاه است؟
ز بند و بست ابرقدرتان که می فهمد؟
شده زمین و زمان مصدر عداوت ها
جهان و اهل جهان در خیال صلح، مگر
به زیر پرده صلح و صفا چه میگذرد؟
کجاست چشم بصیرت که حال ما ببیند؟
ز سود جوئی شرق این قدر زیان دیدیم
غم بزرگ پناهنده را به پاکستان
کنون به آهن پولاد پنجه نرم کنند
که دیده است که آتش گرفته بستان را؟
نهال قامت نورستگان خمید از غم
جدا ز لانه به مرغ طرب چه میگذرد؟
به دشت و کوه و بیابان به زیر آتش بم
فتاده لنگر رنج زمانه بر سر ما
ز رنج های برون از بیان که میدانند؟
یک از هزار ازین داستان که میدانند؟
چه نکته هست نهان و عیان که میدانند؟
چه میرود به زمین و زمان که میدانند؟
به غیر حرف، ازین ها نشان که میدانند؟
ز قتل عام، روان در جهان که میدانند؟
ز سوز سینه ما بی دلان که میدانند؟
به غرب ازین همه سود و زیان که میدانند؟
به غیر بلبل بی آشیان که میدانند؟
دلیر مرد بلند آشیان که میدانند؟
هرات و بلخ و بدخشان، چنان که میدانند؟
بهار ناشده، آمد خزان که میدانند؟
به غیر ناله و شور و فغان که میدانند؟
چه می کشد دل آوارگان که میدانند؟
دهیم پنجه به جور زمان که میدانند؟

مرا فراق وطن پیر کرده است «اسیر»

شده است قد رسایم کمان که میدانند؟